



تصویر: Reuters

براساس آخرین گزارش‌ها و به نقل از دو مقام اسرائیلی در گفت‌وگو با آکسیوس، پیشنهاد جدید اسرائیل برای معامله احتمالی با حماس، شامل تمایل به بحث درباره «بازگرداندن آرامش پایدار» در غزه پس از آزادی اولیه گروگان‌ها به دلایل انسانی است. از زمان آغاز جنگ در ۷ اکتبر، این نخستین بار است که رهبران اسرائیل از آمادگی خود برای پایان دادن به جنگ غزه در برابر آزادی گروگان‌ها سخن می‌گویند. حماس در تمامی پیشنهادات خود در ماه‌های اخیر بر ضرورت پایان جنگ تأکید کرده است. در راستای این پیشنهاد، هیئتی از مقامات اطلاعاتی مصر روز جمعه وارد اسرائیل شدند و با نمایندگان شین‌بت، نیروهای دفاعی اسرائیل و موساد درباره معامله گروگان‌ها و عملیات نظامی احتمالی اسرائیل در رفح گفت‌وگو کردند. به گفته مقامات اسرائیلی، در پایان این گفت‌وگوها، مصری‌ها پیشنهاد جدیدی را به حماس ارسال کردند که شامل تمایل اسرائیل برای دادن امتیازات بیشتر بود. حماس نیز جمعه‌شب در بیانیه‌ای اعلام کرد که پیشنهاد جدید را دریافت کرده، آن را مطالعه و پاسخ خواهد داد. مقامات اسرائیلی گفتند که پیشنهاد جدید به‌طور مشترک توسط هیئت اطلاعاتی مصر و تیم مذاکره‌کننده اسرائیل با در نظر گرفتن مواضع حماس ارائه شده و آنچه اسرائیل و مصر فکر می‌کنند این گروه ممکن است در یک معامله با آن موافقت کنند، تدوین شده است. به گفته مقام اسرائیلی، پیشنهاد جدید شامل پاسخ به بسیاری از خواسته‌های حماس از جمله تمایل به بازگشت کامل آوارگان فلسطینی به خانه‌های خود در شمال غزه و خروج ارتش اسرائیل از کریدوری است که منطقه محاصره را تقسیم کرده است. این پیشنهاد همچنین شامل تمایل به بحث درباره برقراری «آتش‌بس پایدار» به‌عنوان بخشی از اجرای مرحله دوم توافق است که پس از آزادی گروگان‌ها و به دلایل بشردوستانه انجام می‌شود. به گفته این مقام اسرائیلی، «حماس تهدید حمله اسرائیل به رفح را تهدیدی معتبر می‌داند و این ممکن است به دو طرف در رسیدن به توافق کمک کند. وی افزود که اسرائیل درباره عملیات در رفح جدی است.» در روزهای اخیر، کابینه جنگ اسرائیل تصمیم گرفته موضع خود را درباره تعداد گروگان‌هایی که اسرائیل از حماس خواسته است به‌عنوان بخشی از یک توافق آزاد کند، تغییر دهد. پیشنهاد اسرائیل شامل آزادی ۴۰ گروگان در ازای شش هفته آتش‌بس و آزادی تقریباً ۹۰۰ اسیر فلسطینی بود. به گفته مقامات حماس تنها ۲۰ گروگان با معیارهایی که اسرائیل برای آزادی اعلام کرده، تطابق دارد. با تغییر این دیدگاه اکنون به گفته مقامات اسرائیلی، کابینه جنگی اسرائیل برای اولین بار در این هفته به تیم مذاکره‌کننده اجازه داد تا در مورد

آزادی کمتر از ۴۰ گروگان گفت‌وگو کند. تعداد روزهای آتش‌بس به تعداد گروگان‌هایی که آزاد می‌شوند بستگی دارد؛ یک روز برای هر گروگان. اسرائیل انتظار دارد، حماس در چند روز آینده به این پیشنهاد پاسخ دهد. براساس گزارش‌ها، مقامات ارشد اسرائیلی به همتایان مصری خود گفته‌اند که پیش از تهاجم زمینی خود به جنوب غزه و شهر رفح، برای مذاکره بر سر گروگان‌ها به حماس «آخرین فرصت» را می‌دهند. مقامات مصر از حمله احتمالی اسرائیل به رفح و هجوم صدها هزار نفر به مرزهای مصر نگران هستند.

جمع تحولات گویای آن است که رژیم صهیونیستی حمله به رفح را انجام خواهد داد. حتی در صورت توافق بر سر آتش‌بس و گفت‌وگو برای آزادی گروگان‌ها، این توافق، وقفه‌ای کوتاه در جنگ غزه خواهد بود. پیش از این گفته آمد که رژیم صهیونیستی حمله به رفح را بخشی جدایی‌ناپذیر از استراتژی خود در مبارزه با حماس تلقی می‌کند و عزم بر آن دارد تا به هر طریق ممکن به آن اقدام کند. به نظر می‌رسد مقامات آمریکایی نیز انجام این حمله را اجتناب‌ناپذیر می‌دانند و تنها بر آنند تا از تلفات انسانی بیشتر جلوگیری کنند. حال با در نظر داشت این تحول، پرسش این است که در پرتو حمله اسرائیل به رفح و پایان عملیات نظامی در غزه چه آینده‌ای را می‌توان برای نظم امنیتی منطقه متصور بود؟ برای ترسیم دورنمای این نظم لازم است منافع و استراتژی‌های هر یک از کنشگران صاحب منفعت را بررسی کنیم.

▼ آمریکا و نظم امنیتی نوین منطقه

جنگ غزه بیش از هر کشوری، استراتژی کلان آمریکا را با مانعی جدی روبه‌رو ساخته است. سال‌هاست که استراتژیست‌های آمریکایی بر ضرورت کاهش و بازنگری حضور نظامی این کشور در منطقه خاورمیانه تأکید می‌کنند. از نظرگاه آنان، بازگشت رقابت قدرت‌های بزرگ به عرصه نظام بین‌الملل، اجتناب آمریکا از درگیر شدن در بحران‌های نظامی و حضور در مناطق بحران‌آفرینی چون خاورمیانه را به ضرورتی گزیرناپذیر بدل کرده است. استراتژی کلان بین‌الملل‌گرایی لیبرال آمریکا و در پی آن انجام سیاست‌های پرخطر و پرهزینه‌ای همچون حمله نظامی به افغانستان و عراق و کوشش برای دولت-ملت‌سازی نوین در خاورمیانه، رهبران واشنگتن را به نادرستی چنین استراتژی‌ای آگاه کرده است. این امر تحولی آشکار را سبب شده است؛ آمریکا از استراتژی «مداخله حداکثری» در خاورمیانه به «مداخله گزینشی» روی آورده است. تجلی چنین تحولی را می‌توان در حمله به لیبی، بحران سوریه و طرح کاهش حضور نظامی در عراق مشاهده کرد. آمریکا بر آن است تا هر چه بیشتر از بحران‌های منطقه دور شود.

جنگ غزه، انحرافی آشکار در استراتژی کلان آمریکا ایجاد کرده است. مبالغه نیست اگر بگوئیم اکنون آمریکا بیش از هر کشوری از سیاست اسرائیل در منطقه زبان دیده است. جنگ غزه و چشم‌انداز گسترش بحران در خاورمیانه، آمریکا را بر سر دوراهی تعهد استراتژیک (کاهش حضور نظامی در منطقه) و تعهد اخلاقی (حمایت از اسرائیل) قرار داده است. آمریکا بر آن است تا هر چه زودتر به این بحران فراگیر پایان دهد و پیش از آنکه در دام جنگی دیگر در منطقه گرفتار شود، نه به حل بحران بلکه به مدیریت آن شکل دهد. گرچه کاهش حضور در منطقه منفعتی استراتژیک برای آمریکا است اما این کشور با درک ناممکن بودن رهاسازی خاورمیانه بر آن است تا ساختار امنیتی جدیدی را برای مقابله با بحران‌ها، حفظ متحدان و جلوگیری از تمایل نزدیک شدن کشورهای منطقه به قدرت‌هایی همچون چین را فراهم کند. بر این اساس آمریکا با طرح ایده صلح آبراهام و عادی‌سازی روابط کشورهای منطقه با رژیم صهیونیستی، طرح اتحاد دفاعی یکپارچه و افزایش فشارها برای پذیرش طرح دودولتی کوشش می‌کند. نظم امنیتی منطقه‌ای نوینی را در خاورمیانه مستقر کند. رسالت این نظم تأمین امنیت اسرائیل و متحدان و انزوای ایران در منطقه است. هدف امنیتی این نظم مقابله با تهدیدات ایران و جلوگیری از نقش بر آب شدن طرح‌های صلح آبراهام و دودولتی است.

اسرائیل و نظم امنیتی منطقه خاورمیانه: رهبران رژیم صهیونیستی به خوبی الزام استراتژیک آمریکا برای کاهش حضور در خاورمیانه را درک کرده‌اند و بر آنند تا پیش از رسیدن این الزام به مرحله بازگشت‌ناپذیر، نظم امنیتی منطقه‌ای مطلوب خود را مستقر کنند. نظم امنیتی منطقه‌ای اسرائیل بر عادی‌سازی روابط با کشورهای منطقه، ساخت یک اتحاد نظامی-اطلاعاتی پایدار و تضعیف حداکثری توان نظامی ایران متمرکز شده است. رهبران این رژیم با التفاتی آگاهانه به ضرورت نقش‌آفرینی آمریکا در هر یک از این ستون‌های نظم منطقه‌ای به‌دنبال کسب حمایت واشنگتن هستند. این رژیم با اولویت‌بندی در عناصر قوام‌بخش سه‌گانه نظم امنیتی منطقه‌ای، پیش از همه تضعیف توان نظامی ایران را فرادید خود قرار داده است و در پی آن

است تا با کمک متحدان به‌ویژه آمریکا به این هدف دست یابد. دستیابی به این هدف (تضعیف توان نظامی ایران) نیازمند مقابله با گروه‌های نیابتی و همچنین مقابله با برنامه هسته‌ای و موشکی جمهوری اسلامی ایران است. رهبران اسرائیلی خواستار حضور آمریکا برای هرگونه مقابله نظامی با ایران هستند و شرایط کنونی خاورمیانه را برای تحقق این هدف استراتژیک فرصتی مناسب می‌دانند. همچنان بر این باوریم که درگیرکردن آمریکا در برخوردی نظامی با جمهوری اسلامی ایران، مهم‌ترین هدف اسرائیل از گسترش بحران در منطقه است؛ هدفی که اسرائیل مدت‌های طولانی آن را دنبال کرده است.

▼ عربستان سعودی

رهبران عربستان سعودی پی‌ریزی ساختار امنیتی جدیدی را در خاورمیانه دنبال می‌کنند که بر کاهش بحران‌های نظامی در منطقه استوار شده است. استراتژی کلان عربستان در منطقه با هدف گذار خاورمیانه از یک محیط امنیتی-نظامی بحران‌آفرین به یک مجموعه اقتصادی استوار بر فناوری‌های نوین متمرکز شده است. آنگونه که از اظهارات و اقدامات محمد بن سلمان می‌توان دریافت، رهبران عربستان با التفات به تحولات حادث در نظم جهانی و الگوی در حال گذار نظام بین‌الملل، بر آنند تا ساختاری نوین را برای خاورمیانه طراحی کنند. شاهدزاده عربستانی رؤیای شناسایی خود در مقام «معمار جدید خاورمیانه» را در سر می‌پروراند. محمد بن سلمان از تبدیل خاورمیانه به اروپای جدید سخن به میان آورده و سیاست‌ها و اقدامات وی نیز این تغییر در استراتژی را نشان می‌دهد. در راستای نیل به این مقصود، عربستان از مدت‌ها پیش کاهش تنش‌ها در منطقه، حرکت در مسیر عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی و طرح اتحاد استراتژیک با آمریکا برای تضمین امنیت منطقه را در مقام عناصر قوام‌بخش نظم امنیتی منطقه‌ای مطلوب خود تعریف کرده است. رهبران عربستان بر آنند تا با بهره‌گیری از جنگ غزه با الزام آمریکا و اسرائیل برای پیشبرد طرح دودولتی و همچنین تقویت اتحاد نظامی در برابر ایران، مسیر تحول در نظم منطقه‌ای خاورمیانه را هموار سازند. تکوین چنین نظمی پیش از همه نیازمند تضعیف ایران و انزوای سیاسی جمهوری اسلامی ایران و الزام اسرائیل به پذیرش طرح دودولتی است. عربستان در پرتو جنگ غزه هر دوی این اهداف را دنبال می‌کند.

▼ نتیجه‌گیری

در زهدان پایان جنگ غزه، نظم امنیتی منطقه‌ای نوینی در خاورمیانه در شرف زاده شدن است. در میانه این جنگ آمریکا، اسرائیل و عربستان سعودی سودای استقرار نظم امنیتی جدیدی را در خاورمیانه در سر می‌پروراند. استقرار این نظم با هدف تضمین امنیت پایدار اسرائیل و متحدان آمریکا و تضعیف توان نظامی و انزوای سیاسی جمهوری اسلامی ایران دنبال می‌شود. به نظر می‌رسد از نظرگاه استراتژیست‌های آمریکا و متحدان این کشور در منطقه، استقرار هرگونه سامان امنیتی جدیدی در خاورمیانه بیش از همه نیازمند کاهش اثرگذاری ایران بر تحولات منطقه است. از نظرگاه آنان استقرار هیچ نظم مطلوبی (در راستای منافع آمریکا و متحدان) با حضور قدرت نظامی و سیاسی ایران امکان‌پذیر نخواهد بود. از سر تصادف نیست که توماس فریدمن در مقام سخنگوی غیررسمی استراتژی دولت بایدن در خاورمیانه، مقابله با تهدیدات ایران را نخستین پیش‌نیاز استقرار هرگونه نظمی در منطقه می‌داند و ویلیام برنز در مقام راهبر اصلی سیاست خارجی دولت بایدن، مقابله با تهدید ایران را کلید امنیت خاورمیانه و اسرائیل می‌داند.

از جمیع تحولات چنین برمی‌آید که خاورمیانه، آوردگاه دو گروه برای استقرار یک نظم امنیتی در فردای پس از جنگ غزه است. در یک سو آمریکا، اسرائیل، کشورهای منطقه و متحدان اروپایی در پی استقرار یک نظم امنیتی هستند که در آن افزون بر تضمین امنیت پایدار اسرائیل، برای عادی‌سازی روابط کشورهای منطقه با رژیم صهیونیستی، استقرار یک سامان امنیتی نوین، کاهش حضور آمریکا و عدم ضرورت حضور قدرت‌هایی همچون چین در منطقه پایدار اسرائیل را دنبال می‌کنند. مقابله این دو اردوگاه، ماهیت نظم امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه را تعیین خواهد کرد. به نظر می‌رسد تا زمان پیروزی یک اردوگاه بر دیگری، خاورمیانه همچنان آبیستن بحران‌های دیگری خواهد بود. باید منتظر ماند و دید کدام‌یک بر دیگری غلبه خواهد کرد.

دیپلمات‌ها



توافقات مهم در تهران

رافائل گروسی در نشست خبری مشترک با محمد اسلامی در حاشیه اولین کنفرانس بین‌المللی هسته‌ای در اصفهان گفت: همان‌طور که آقای اسلامی گفت یک‌سال قبل بر سر بیانیه مشترک توافق کردیم و آن سند مهمی بود که امضا شد. درباره سطح همکاری‌های نظارتی و پادمانی و آن‌چه نیاز است برای حل مسائل باقی‌مانده را بیان می‌کند. این سند‌های اضافی که طرفین باید بردارند و اینکه این گام‌ها با وجود کاستی‌ها برداشته‌شده را بیان می‌کند. امروز توافق کردیم این سند ادامه پیدا کند و مفاد آن معتبر است. گروسی گفت که پیشنهادی را به ایران دادم که شامل گام‌های عملیاتی است و تیم‌های طرفین در نشست جداگانه و در حال تعریف این گام‌های عملیاتی دو طرفه هستند. وی در پاسخ به این سوال که آیا امروز الحاقیه تازه‌ای به متن بیانیه مشترک مارس ۱۴۰۱ اضافه شد؟ گفت: همان‌طور که گفتم قصد ما این نیست سند جدیدی را ایجاد کنیم و مبنای ما همان سند مارس سال گذشته است. مهم است که بیانیه مشترک را بدون تغییر ادامه دهیم چون ظرفیت حل مسائل را دارد که به مسائل جاری و حل مسائل پادمانی و گام‌های اضافی توجه دارد و ما امروز در مذاکرات بر برداشتن گام‌های ملموس در این راستا توافق کردیم. مدیرکل آژانس در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه در مورد نقش اسرائیل نگرانی‌هایی وجود دارد و اسرائیل نقش مخربی را ایفا می‌کند، شما چه اقدامی را در این باره انجام می‌دهید؟ اظهار کرد: ما به‌بازیرگان خارجی توجه نمی‌کنیم مخاطب ما ایران است و نقش ایران را در نظر می‌گیریم. در امنیت و صلح منطقه منافی است که گاهی اوقات متعارض خواهند بود. از همه چیز آگاه هستیم. ولی در مسیر صحیحی با همکاری ایران پیش خواهیم رفت. گروسی در پاسخ به اینکه بنا بر پانزده گزارش آژانس، ایران به برجام پایبند بوده است و آمریکا یک‌جانبه از آن خارج شد، در این شرایط چطور از ایران انتظار دارید به همه تعهداتش در قالب برجام پایبند باشد؟ اظهار کرد: ما داریم کار می‌کنیم که این مشکل را حل کنیم. باید با ایران همکاری کنیم که به مسیر قبلی برگردیم و تلاش داریم شرایط را برای بازگرداندن ایران به مسیر قبلی تسهیل کنیم. ما ضامن اجرای برجام در حوزه فنی هستیم. می‌دانیم چه اقداماتی باید انجام شود و در حال هماهنگی جهت انجام آن اقدامات هستیم. محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی نیز در این نشست گفت: «ما در این مذاکرات پیشرفت بیانیه مارس را به‌عنوان خط مبنا مثبت ارزیابی کردیم اگر چه به دلیل شرایط به‌وجود آمده در مسائل ایران و آژانس روند همکاری‌ها کند شد و هر دو طرف از این کندی ابراز نارضندی کرده بودند. ما تداوم تعاملات‌مان را بر مبنای بیانیه مشترک در سه بخش از این پس دنبال می‌کنیم؛ اول موارد گذشته است که در سند برجام در قالب پی‌ام‌دی بسته شده بود. اینها مسائل خاص خودش را دارد که آفشته به مسائل بیرونی و سیاسی است و نباید به دیگر بخش‌ها تسری داده شود. در این بخش موضوع مهم ۲ مکان باقی‌مانده است، موضوع ناترازی مواد حل‌شده بر حل ۲ مکان باقی‌مانده تمرکز می‌کنیم. رئیس سازمان انرژی اتمی گفت ما امروز توافق کردیم که اینها را از هم تفکیک کنیم؛ گذشته، حال و آینده. ما هماهنگ و مشترک به سمت آینده مشترک بر تعامل و پرتحرک گام برمی‌داریم. اسلامی در پاسخ به اینکه به سال‌های اخیر شاهد تشدید تنش علیه ایران بودیم و شاهدیم که برجام و مذاکرات شکست خورده است، با این حال حضور آقای گروسی تأثیر مثبتی در از سرگیری مذاکرات دارد یا خیر؟ گفت: «حضور ایشان در امتداد تعاملات جاری در چارچوب آن‌پی‌تی و موافقتنامه پادمان جامع است. ایران از برجام خارج نشده است، آمریکا خارج شد و به تعهداتش عمل نکرد و دیگران هم به تبع آن اقدامی نکردند. ایران با حسن‌نیت در این توافق مانده و الان که کاهش تعهدات داده، ملاکش برجام است. به علاوه قانون راهبردی ملاک عمل ماست و این ملاحظاتی را آقای گروسی مطلع هستند و دیدید که اشاره کردند چارچوب‌های ما الان آن‌پی‌تی، موافقتنامه پادمان جامع و قانون اقدام راهبردی ایران است. شخص آقای گروسی هم البته جایگاه سیاسی ویژه‌ای دارند و یکی از توافقات امروز ما در سه بخش مورد اشاره همین تعاملات سیاسی است که می‌تواند اثرات متقابل داشته باشد.»